

## تاریخ ظهور و پیدایش مذاهب و ادیان

### بودیزم

نوشته: بهرام بیک میرزاده



۱۷ می ۲۰۱۵

قبلا گفتیم که بودیزم و جینیزم از دین هندوئیسم جدا و اعلان موجودیت کردند و میتوانیم بگوئیم که این دو مذهب معاصر یکدیگر هستند. بودیزم و جینیزم در راه استقلال فکری و رهائی از تعالیم روحانیون (برهمنان) قدم برداشتند بدون در نظر داشت اصناف و طبقات مردم را دعوت میکردند با وجود این همه مشابهت ها بین شان تفرقه های فراوان نیز داشت. مثلا: جینیزم پایه دین خود را روی ریاضت مفرط و زاهد مطلق گذاشته ولی بودیزم راه نجات را در روش اعتدال و عقل سلیم قرار داده و ریاضت و افراط را خلاف مصلحت عقلانی دانسته است. بنیانگذار جینیزم بنام مها ویره که از خاندان کشتریه بود و از بودیزم سیدارته و نام خانواده ان گوتمه بود و این دو نفر از فامیل جدا شده و سر به بیابان زدند و دنیا را ترک گفتند.

بودا در سال (560 ق م) در شهر بنارس هند متولد شده و دارای یک فرزند بود. بودا تمام عیش و نوش سلطنت را رها کرده مدتی نا پدید شد بعدا برای فرا گیری علم نزد یک نفر عالم برهمنی عقاید برهمنیزم را فرا گرفت و به تبلیغ برآمد و پیروان زیادی پیدا کرد و هر کسیکه به دین بودا عقیده پیدا میکرد و پیرو دین بودا میشد باید احکام ده گانه را رعایت میکرد و این احام ده گانه قرار ذیل اند.

- 1) اجتناب از بیجان کردن جانوران.
- 2) احتراز از تصرف در مالی که به شخص اعطا شده.

- (3) پرهیز از نا پاکدامنی .
- (4) احتراز از مکر و فریب .
- (5) خوداری از مستی و شراب .
- (6) خوداری از پر خوری و شکم پروری .
- (7) چشم پوشی از رقص و آواز .
- (8) اجتناب از استعمال زیورات .
- (9) نه خفتن در بستر های نرم .
- (10) احتراز از قبول زر و سیم .

که چهار قاعده نخستین از ده گانه با جینیها مشترک بوده و میتوان گفت که اصل میانه روی و اعتدال شالوده و بنیان این قواعد اخلاقی بودا میباشد. بودا بعد از چهل و پنج سال تبلیغ به یک سفر کوتاه هشت روزه که در تاریخ بنام کوسینارا ثبت شده در شمال شرق بنارس چشم از جهان بست. در دین بودا انسانیت بحد کمال مورد توجه است. بودیزم دو اصل اساسی از دین هندئیزم را محترم شمرد . اول قانون کرمه و دوم انتقال روح .

بودا اصل تجدید حیات یعنی تولد ثانوی کاملا تائید مینماید . بودا مسئله ارواح را چنین توضیح میدهد (روح ماده مستقلی نیست که از یک جسم به جسم دیگر درآید . آنچه ازین حیات به حیات دیگر منتقل میشود عبارت از صفات حیات یا کرمه زندگی که بحیات دیر منتقل میگردد. عقیده بودا بر آنست که یکنوع ایجاد درونی موجب بروز و تگین حیات میشود و حیات نتیجه مجموع وجود بدن و روح است که این هر دو تابع یکدیگراند. بودا مردم را به پرهیز گاری و عقاید اخلاقیات تشویق و ترغیب نموده و مردم را بخاطر رهائی از رنج و الم و حیات پر سعادت هدایت فرمود و درین مورد چهار حقیقت اصلی را وضع نموده است: اولین حقیقت رنج و الم است. تولد رنج است و تحول رنج است و بالاخره مگ نیز رنج است، دومین حقیقت علت رنج است یعنی عیش آمیخته با نوش ، خوشگذرانی و میل به کامیابی، سومین حقیقت خلاصی از رنج است و این جز در ترک آمال و امیال نیست دوری از هوا و هوس و رهائی از آرزوها است و چهارمین حقیقت طریقه رهائی از رنج است. برای رهائی از رنج بودا هشت روش را اشاره نموده است: ایمان درست، نیت درست، گفتار درست، رفتار درست، معاشرت درست، سعی درست، توجه درست و مراقبت درست .

قاعده و اساس این هدایات دو مطلب را افاده میکند یکی بنیاد و اساس اخلاقی بودا یعنی نفع وجود و ترک هستی و دومی دارای جنبه مثبت میباشد . که در تربیه اخلاقی جامعه رول عمده را بازی میکند.

بعد از وفات بودا در سال 273 ق م آشوکا زمام امر مملکت را بدست گرفت و دین بودا را رسمیت بخشید و ظلم شکنجه و قتل و کشتار را در قلمرو خود منع قرار داد و در زمان آشوکا دین بودا خارج از هند توسعه و انتشار یافت . و بعدا در قرن اول قبل از میلاد قبیله صحرا نشین بنام کوشانیان که با ترکان و تورانیان که از یک ریشه بودند از آسیای مرکزی بر خاستند و از افغانستان عبور نمودند و به هند تاختند و تمدن یونان باختر که قبل از آنها هند را اشغال نموده بودند غصب نمودند که یکی از شاهان این قوم کانیشکا بود که بعد ها به دین بودا گروید و در آنزمان دین بودا در افغانستان انتشار یافته بود که نمونه آنرا میتوان نو بهار بلخ که از کلمه (ویهارا) یعنی معبد بودائی اشتقاق یافته و در آن زمان بلخ مرکزیت داشت و معبد عظیمی درانجا بر پا بود که هنوز هم آثار ان باقیمانده و همچنان پیکر عظیم در بامیان است که نمایندگی از فرهنگ آنزمان است. ولی با تاءسف بگویم که در قرن 21 که عصر ترقی و تمدن پیشرفته امروز بنام طالبان که عقب مانده ترین وبی فرهنگ تری مردم جامعه ما میباشند این آثار مهم تاریخی که از فرهنگ قدیم ما میراث مانده بود از بین بردند و در آخر این موضوع از ارشادات بودا ذکر بعمل میاوریم که گفته است: "نخست خودرا اصلاح کن ، آنگاه دیگران را اندرز بده ."